

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۵

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸، شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۱

<http://jupm.miau.ac.ir/>

صص ۹۳-۱۱۲

تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران

رحیم بردی آنامرادنژاد: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تحولات زمانی، الگوی فضایی و مسیرهای شهرنشینی در ایران تدوین شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و مبنای آماری داده‌ها، نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کشور در ۷ دوره گذشته است. در این مقاله، ضمن تحلیل زمانی و فضایی شهرنشینی در ایران طی ۵۵ سال گذشته، الگوی فضایی در روند توسعه شهرنشینی کشور با تحلیل عناصری مانند رشد جمعیت، مهاجرت و توسعه اقتصادی مشخص گردید. تعداد جمعیت و میزان شهرنشینی ایران تا افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی شد و براساس آن جمعیت کشور به ۸۹/۹ میلیون نفر و نسبت شهرنشینی به ۸۰/۴ درصد خواهد رسید. سایر نتایج تحقیق را می‌توان این‌گونه برشمرد؛ کاهش شاغلان در بخش کشاورزی به نفع شاغلان بخش خدمات در طول ۵۵ سال گذشته، تغییر الگوی مهاجرت در کشور از روستا به شهر به الگوی مهاجرت شهر به شهر، الگوی قبلی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ غالب بوده است. همچنین در جابجایی‌های بین استانی، نقاط شهری استان تهران، بیشترین مهاجرین را به خود اختصاص داده است و مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) نیز در حال رشد است. نظر به شکست نظریه قطب رشد، عدم موفقیت طرح‌های جزیره‌ای نظیر طرح جامع شهری و طرح‌های روستایی و با توجه به رابطه ناگسستگی کشاورزی، روستا و شهر کوچک با یکدیگر و به منظور مطلوبیت بخشیدن به فضای شهرنشینی کشور پیشنهاد می‌شود که راهبردهای ویژه‌ای از جمله توسعه همزمان شهرهای متوسط، کوچک و روستاها در قالب طرحی با عنوان «طرح مجموعه شهری» به عنوان استراتژی توسعه شهرنشینی در برنامه‌ریزی‌های فضایی مدنظر قرارگیرد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی، الگوی توسعه شهرنشینی، مهاجرت، کلانشهر، ایران

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

در مناطق مختلف جهان، فرایند شهرنشینی حاصل کنش‌های پیچیده عناصر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی است. این فرایند در مراحل مختلف خود در طول زمان و بنا بر مقضیات محلی، در حال تولید الگوهای مختلف شهری در مناطق گوناگون دنیا می‌باشد. در مقابل الگوی مرکزگریز تغییر جمعیت شهری در جوامع پیشرفته، فرایندهای مرکزگرایی شهرنشینی و رشد شهری به تسلط خود بر پویسهای جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه ادامه می‌دهند (Pacione, 2011, 3).

میزان بالای تمرکز یا سهم مناطق کلانشهری بزرگ از جمعیت شهری، ویژگی بارز شهرنشینی شتابان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این تمرکز فزاینده در اغلب موارد خود را در غالب الگوی نخست شهری نمایان می‌سازد؛ الگوی نخست شهری با شهرهای بزرگ و نامتوازن خود، مشکلات عمده‌ای را در کیفیت زندگی، سلامت، صنایع ملی، مدیریت و نهادسازی، همبستگی اجتماعی و پایداری سبب شده است (Henderson, 2002: 89).

اگرچه شهرنشینی پدیده‌ای جهانی است، اما این پدیده به طور چشمگیری در ایران پویاست، بطوری‌که رشد شهری بی‌سابقه‌ای در پنج دهه اخیر در ایران روی داده است. طی ۵۵ سال گذشته، نسبت شهرنشینی در ایران، از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به

بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. به موازات رشد شتابان میزان شهرنشینی، تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ شهر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

در واقع، شهرنشینی در ایران طی چند دهه اخیر، همانند دیگر کشورهای در حال توسعه رو به افزایش بوده و مرکز ثقل جمعیت کشور به طور کنترل‌ناپذیری از روستاها به شهرها انتقال یافته است. علیرغم رشد شتابان میزان شهرنشینی و تعداد شهرها در ۵۵ سال گذشته، نرخ رشد شهرها همواره یکسان نبوده و تفاوت در نرخ رشد شهرها، نظام شهری ایران را دچار تغییرات اساسی کرده است. برخی شهرها تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و محیطی توانسته‌اند، جایگاه خود را در نظام شهری ایران ارتقا دهند؛ در حالی‌که برخی دیگر از شهرها، جایگاه خود را در سلسله مراتب شهری ایران از دست داده‌اند (سیف‌الدینی و همکاران، ۶۲، ۱۳۹۳). دلیل این امر را می‌توان در این نکته جستجو کرد که نگرش حاکم در نظام برنامه‌ریزی کشور بیشتر تمرکزگرا، بخشی‌نگر و کم توجه به توسعه متعادل مناطق کشور بر اساس ظرفیت‌های طبیعی و انسانی آنها است. این روند موجب افزایش تضاد بین مناطق و درون مناطق در پهنه جغرافیایی کشور شده است (دفتر برنامه و بودجه زنجان، ۱۳۹۰). این مقاله به منظور بررسی روند تحولات شهرنشینی در کشور از بعد زمانی و فضایی تدوین شده است.

۲-۱. اهمیت و اهداف تحقیق

اهمیت این مقاله از آن جهت است که روند تحولات زمانی شهرنشینی در ایران را طی ۵۵ سال گذشته با اتکا به نتایج ۷ دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن مورد بررسی قرار داده و هم چنین ابعاد فضایی شهرنشینی در سطح استانهای کشور و حرکات جمعیتی را مدنظر قرار داده است. به همین دلیل، این مقاله ضمن بررسی مطالعه تحولات شهرنشینی در ایران از بعد زمانی و فضایی، کنکاش درباره علل تحولات، فرایندها و الگوهای ناشی از این تحولات و مشکلات ناشی از آن و درنهایت یافتن راه‌حلهایی برای جلوگیری از ناموزونی نظام فضایی شهرنشینی، و پیش‌بینی آینده شهرنشینی و رشد شهری، را هدف خود قرار داده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در مورد شهرنشینی و رشد شهری در قالب عوامل محرک، فرایندها و الگوها در جهان توسعه یافته انجام گرفته است. دامنه این مطالعات در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه را نیز دربرگرفته است.

یانگ^۱، در مقاله‌ای تحت عنوان «ریسک‌ها و منطق فضایی در شهرنشینی سریع چین تحت پیچیدگی جهانی» به این نتیجه رسیده است که پیچیدگی جهانی نه تنها باعث بازتولید ساختار زمانی-فضایی جامعه چینی شده بلکه بر روند تکاملی شهرنشینی چین تأثیرگذار بوده است. بعد از سی سال پیشرفت، اقتصاد چین به سیستم بازار جهانی تلفیق شده و این

کشور، به واسطه اقتصاد صادرات‌گرا در روند شهرنشینی‌اش موفق بوده است. در چین، شهرنشینی سریع، عموماً به عنوان نشانه‌ای از مدرنیته و موتور پیشرفت اقتصاد ملی در نظر گرفته می‌شود و هم‌زمان جامعه بین‌المللی با در نظر گرفتن الگوی چینی در شهرنشینی دنیا، نگرش‌های مثبتی را به سمت شهرنشینی سریع چین داراست (Yang, 2013).

حاصل تحقیقات یین^۲ و همکاران که با عنوان «شهرنشینی سالم: از رشد کمی تا ارتقای کیفی، با تأکید بر استراتژی شهرنشینی» صورت گرفته نشان می‌دهد که چین شهرنشینی سریعی را تجربه می‌کند و موضوع چگونگی رسیدن به شهرنشینی سالم از دغدغه‌های اصلی آنهاست و مطمئناً توجهات را از سطح دولت مرکزی تا دولت‌های محلی به سمت خود خواهد کشاند، زیرا این موضوع یکی از نیازهای اساسی کشور است که با هدایت آن در مسیر خود چین به سمت مدرنیزاسیون و تبدیل شدن به یک قدرت جهانی حرکت کند. در حال حاضر چندین مشکل اساسی در ورای شهرنشینی شتابان چین مانند سیستم ثبت ساکنان، زاغه نشینی و مسئله شناخته شده جابجایی جمعیت وجود دارد. در سال ۲۰۰۰ میزان جمعیت سیال در حدود ۱۲۰ میلیون نفر بود که در سال ۲۰۱۰ به ۲۲۰ الی ۲۴۰ میلیون نفر افزایش یافت و هم‌چنین ۷۰ میلیون نفر نیز بین شهرهای مختلف جابجا می‌شوند (Yin and et al, 2013).

در ایران نیز به تبع سایر کشورهای در حال توسعه، در سالهای اخیر مطالعات زیادی در

2 - yin

1 - Yang

بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که عدم تعادل و توازن در توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در نظام شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ افزایش یافته است. اما از سال ۱۳۵۵ تاکنون به رغم وجود سطحی از نابرابری، به سمت توزیع متناسب‌تر و متعادل‌تری در حرکت بوده است.

سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند شهرنشینی و رشد شهری در ایران همچون بسیاری از مناطق دنیا شامل دو فاز اصلی تمرکزگرایی و تمرکززدایی می‌باشد. تا اوایل دهه ۱۳۶۰، فرایند شهرنشینی در مسیر تمرکزگرایی گام برداشته و الگوی ناشی از آن، نخست شهری بوده است. با تضعیف نیروهای مرکزگرا از اوایل دهه ۱۳۶۰ تحت تأثیر هزینه‌های ناشی از ازدحام در شهرهای برتر کشور، فرایند شهرنشینی در ایران وارد فاز تمرکززدایی می‌شود. اما این تمرکززدایی غالباً به صورت پراکنش متمرکز روی می‌دهد و الگوی فضایی حاصل از آن شکل‌گیری مناطق کلانشهری از قبیل منطقه کلانشهری تهران است.

۱-۴. سؤال‌های تحقیق

این مطالعه، در پی یافتن پاسخ به سؤال‌های زیر است:

- روند تحولات فضایی، زمانی شهرنشینی در ایران معاصر چگونه بوده است؟

- کدام الگو برای توسعه فضای شهرنشینی ایران مناسب تر است؟

۱-۵. روش تحقیق

مورد شهرنشینی، فرایند شکل‌گیری، رشد شهرها و سلسله مراتب شهری انجام گرفته است.

تقوایی و صابری (۱۳۸۹) به منظور بررسی میزان تعادل در نظام شهری ایران طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از شاخصهای گوناگونی استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که نظام شهری ایران در نیم قرن اخیر از لحاظ شاخص‌های ضریب تمرکز، رتبه-اندازه، نخست شهری و ضریب آنتروپی به سمت تعادل میل کرده است؛ اما از نظر شاخص ضریب جینی و توزیع جمعیت در طبقات شهری نسبت به سال ۱۳۳۵ در وضعیت نامتعادل‌تر قرار دارد.

رخشانی نسب و ضرابی (۱۳۸۹) روند تحولات سلسله مراتب شهری ایران را طی سالهای ۸۵-۱۳۶۵ مورد تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طی دوره مورد مطالعه شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و قم در نظام شهری کشور از مرتبه ثابتی برخوردار بوده و شهر کرج به دلیل جذب سرریز جمعیتی تهران از رتبه ۱۳ در سال ۱۳۶۵ به رتبه ۵ در سال ۱۳۸۵ صعود کرده است. علاوه بر این، سلسله مراتب شهری کشور از حالت نیمه متعادل در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به حالت بحرانی در سال ۱۳۸۵ سوق پیدا کرده است.

فرهودی و همکاران (۱۳۸۸) روند تغییرات نظام شهری ایران را طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ و تأثیر سیاست‌های اعمال شده برای به تعادل رساندن آن را با استفاده از روشها و مدل‌های مختلفی نظیر شاخصهای نخست شهری، تمرکز و تعادل مورد

با ظهور انقلاب صنعتی، موج اول شهرنشینی در اروپای غربی صورت گرفت. انقلاب صنعتی در انگلستان آغاز شد و سپس به تدریج به فرانسه، آلمان، هلند و دیگر کشورهای اروپایی این قاره گسترش یافت و در دهه ۱۹۵۰ وارد مرحله باثباتی شد. موج دوم شهرنشینی گسترش و تحول فضایی موج اول بود. مرکز در حال افزایش آن کشورهای سرمایه‌داری مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا بود. گسترش استعمار و ارتقاء و توزیع فناوری‌های جدید صنعتی تا حد زیادی توسعه صنایع مدرن و تراکم صنایع تجاری و خدمات را ارتقاء داد که با ایجاد شهرنشینی در شمال آمریکا توسط مهاجرت بین قاره ای بزرگ مقیاس مشخص شد. موج دوم شهرنشینی در اواسط قرن بیستم وارد مرحله با ثباتی شد. موج سوم شهرنشینی پس از جنگ جهانی دوم بیشتر در کشورها و مناطق شرق اروپا، جنوب آمریکا و شرق آسیا که پس از جنگ، در زمان مهاجرت روستا - شهری متأثر از انتقال تولیدات صنعتی از کشورهای اروپایی و آمریکایی پیشرفته به این کشورها بهبود یافته بود و منجر به ایجاد گره‌های جدید رشد اقتصادی در سیستم تجارت جهانی و شهرنشینی بزرگ مقیاس جمعیت شده بود اتفاق افتاد. در اوایل قرن بیست و یکم سطح شهرنشینی در این کشورها به طور کلی به بیش از ۷۰ درصد رسید، ویژگی این موج شهرنشینی، تأثیرات گسترده‌ای شامل تعداد زیاد جمعیت و تمایز آشکار در کیفیت شهرنشینی در این کشورها بود. برخی از کشورها مانند ژاپن، کره، سنگاپور به توسعه همزمان صنعتی شدن و شهرنشینی دست یافتند در حالی که برخی از کشورهای

این تحقیق، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی بوده و از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز به منظور تحلیل تحولات زمانی و مکانی، با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه ای و عمدتاً با جمع آوری نتایج یافته‌های ۷ دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن در کشور طی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵ به دست آمده است.

۱-۶. متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، بدلیل ماهیت کیفی آن، برخی عناصر مانند میزان رشد جمعیت، میزان شهرنشینی، مهاجرت، تغییرات در شاغلان بخشهای اقتصادی، سیاستها و برنامه‌ریزی‌های بزرگ مقیاس که تغییر در هریک از آنها موجب تغییراتی در الگوی شهرنشینی کشور شده اند مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۷. محدوده و قلمرو تحقیق

از آنجا که شهرنشینی در کل ایران مورد بررسی قرار گرفته، مجموعه نقاط شهری کشور و کل استانها که در بحث مهاجرت و تحولات شهرنشینی مدنظر بودند، محدوده این تحقیق به شمار می‌روند.

۲. مفاهیم و دیدگاه‌ها

از زمان انقلاب صنعتی که در انگلستان در قرن هجدهم آغاز شد، شهرنشینی با صنعتی شدن در کشورهای پیشرفته سراسر جهان همراه شده و سطح شهرنشینی به شاخص کلیدی برای اندازه‌گیری توسعه اجتماعی - اقتصادی تبدیل شده است. دو قرن طولانی شهرنشینی در جهان از زمان انقلاب صنعتی را می‌توان به چهار مرحله با توجه به ویژگی نفوذ بین قاره ای آن در فضا تقسیم کرد (Wang, 2014, 51).

مقطعی باعث پیدایش ناهنجاری‌های گوناگونی در فضای کشور شده است که می‌توان به پیدایش پدیده نخست شهری و بی‌توجهی به شهرهای کوچک و روستاها، گسترش قطبهای رشد در برهه‌هایی از زمان، محرومیت بخشهای حاشیه‌ای کشور، عدم تعادل در توزیع جمعیت و فعالیتهای اقتصادی اشاره نمود.

ناهماهنگی توسعه مناطق و نابرابریهای ناحیه‌ای موجود در اثر مکانیسمهای حاکم بر ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور و نیز شهرنشینی - شتابان و ناهماهنگی توسعه شهرهای بزرگ و کوچک در اثر تمرکز فعالیتهای اقتصادی و تسهیلات خدماتی در شهر تهران موجب جدایی کامل و خلاء کارکردی آشکار شهرهای دیگر نظام شهری از این شهر شده است (موسوی، ۸، ۱۳۸۲). نتیجه این روند پیدایش پدیده نخست شهری در نظام شهری ایران است که موجب شده است تهران برتری خود را نسبت به شهرهای دیگر حفظ کند که (توفیق، ۱۳۷۶) از آن به عنوان سربزرگ این شهر بر جسته نحیف کشور یاد می‌کند (توفیق، ۱۳۷۶: ۲). به طوری که شهر تهران خارج از ترتیب منظم شهری کشور، به عنوان شهر برتر و نخست شهر، توفیق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ کرده است. تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه اشتغال وسیعی فراهم کرده و همزمان با آن رکود نسبی فعالیت‌ها در شهرهای دیگر کشور شده است (شکویی و باقری، ۹۵، ۱۳۷۷).

آمریکای لاتین مانند برزیل و مکزیک شاهد سطح بالایی از صنعتی شدن اما با کیفیت پایین‌تری از شهرنشینی قرار داشتند و در نتیجه، شاهد پدیده‌هایی مانند زمین‌های متعدد کمتر زراعی، مهاجرت به شهرها و تعداد معدودی زاغه‌های در حال ظهور در شهرها بودند. موج چهارم شهرنشینی، عمدتاً شهرنشینی در کشورهای آسیایی، چین و هند و کشورهای آسیای جنوبی و غربی بوده و شروع روند صنعتی شدن و شهرنشینی در امتداد یک زیرمجموعه از سیستم تجارت بین‌المللی بوده است. به نظر می‌رسد که بسیاری از این کشورها از جوامع کشاورزی و دارای تمدن‌های کهن هستند. ادغام آنها با سیستم جهانی شدن، مشکلات شهرنشینی پیچیده و حادثتری را در مقایسه با دیگر کشورها بوجود آورد. با توجه به چشم‌انداز شهرنشینی جهان در سال ۲۰۰۹ که با تجدید نظر توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، سطح شهرنشینی در اوایل قرن هجدهم تنها ۵٫۱ درصد بوده است. در اوایل قرن نوزدهم، ۱۳ درصد و برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ بیش از ۵۰ درصد بوده و با ۳٫۴۲ میلیارد نفر از جمعیت که در مناطق شهری زندگی می‌کردند؛ جامعه بشری برای اولین بار در تاریخ خود وارد یک جامعه شهری شده است (Ibid, 52). پیش‌بینی‌های اخیر نشان می‌دهند که در سال ۲۰۳۰ حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد. (United Nations, 2010)

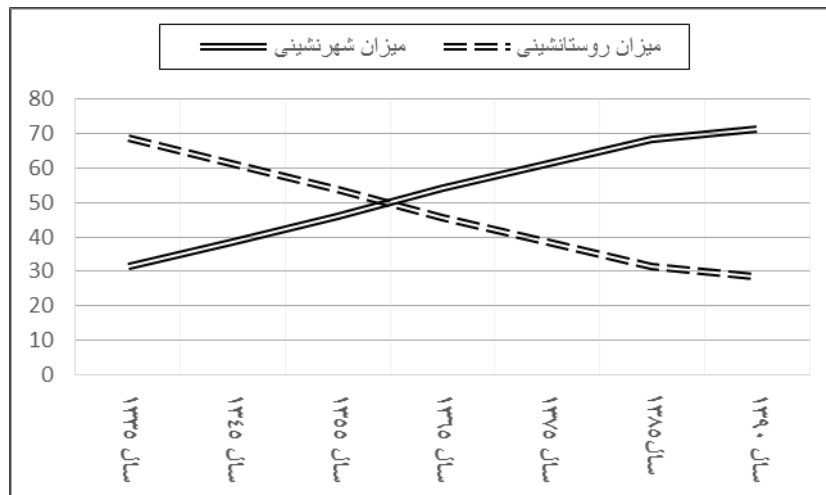
در ایران، نیز به تبع سایر کشورها شهرنشینی در دوره‌های اخیر از رشد شتابانی برخوردار بوده و به دلیل رشد بالای شهرنشینی و ناتوانی برنامه‌ریزی‌های

شهرنشینی: جمعیت شهری ایران از نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ تا آخرین آن یعنی ۱۳۹۰، تحولات سریع و شتابانی را پشت سر گذاشته است. به طوری که می‌توان گفت ایران در این دوره در زمره کشورهای با رشد سریع شهرنشینی قرار گرفت. این درحالی است که جمعیت روستایی در طول زمان روبه کاهش گذاشت (شکل شماره ۱).

بنابراین اثرات منفی ناشی از رشد پدیده نخست شهری بر نظام هر کشوری بارز است. شناسایی این پدیده می‌تواند برنامه ریزان و طراحان توسعه را به اتخاذ سیاست‌ها و تدابیری جهت رفع این معضل وا دارد.

۳. تحلیل یافته‌ها

۱-۳. بررسی زمینه‌ها و روند توسعه شهرنشینی در ایران: الف) تحلیل زمانی روند توسعه فضای



شکل ۱- تحول در میزان شهرنشینی و روستانشینی کشور طی ۱۳۳۵-۱۳۹۰

مأخذ آمارها: مرکز آمار ایران

روستائیان به شهرها، افزایش جاذبه شهرها بدلیل توجهات ویژه دولت با تزریق درآمدهای نفتی و تلاش برای عمران شهرها، افزایش رشد طبیعی جمعیت کشور بدلیل کاهش مرگ و میرهای ناشی از شرایط نامطلوب بهداشتی از جمله ریشه کن کردن بیماری مالاریا و بهبود آب آشامیدنی شهرها جستجو کرد.

در سال ۱۳۵۵، نرخ رشد جمعیت شهری کشور اندکی کاهش یافت و به ۴/۹ درصد رسید که علت آن را آغاز سیاست تنظیم خانواده در کشور در سال

به لحاظ آماری، جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۳۵ تنها یک سوم از جمعیت کشور را شامل می‌شده است (۳۱/۴ درصد) و تعداد شهرها ۱۹۹ نقطه بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۴۵، جمعیت شهری کشور با رشدی سریع به ۹/۷ میلیون نفر رسید و با رشد ۵/۲ درصدی ۳۸/۷ درصد از جمعیت کشور را پوشش داد. تعداد شهرها نیز به ۲۷۲ نقطه رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۵).

علل رشد شهرنشینی در این دوره را می‌توان در انجام اصلاحات ارضی اوایل دهه چهل و مهاجرت بی‌سابقه

از کل جمعیت را دربرگرفت و تعداد شهرها به ۶۱۲ نقطه (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵) افزایش یافت.

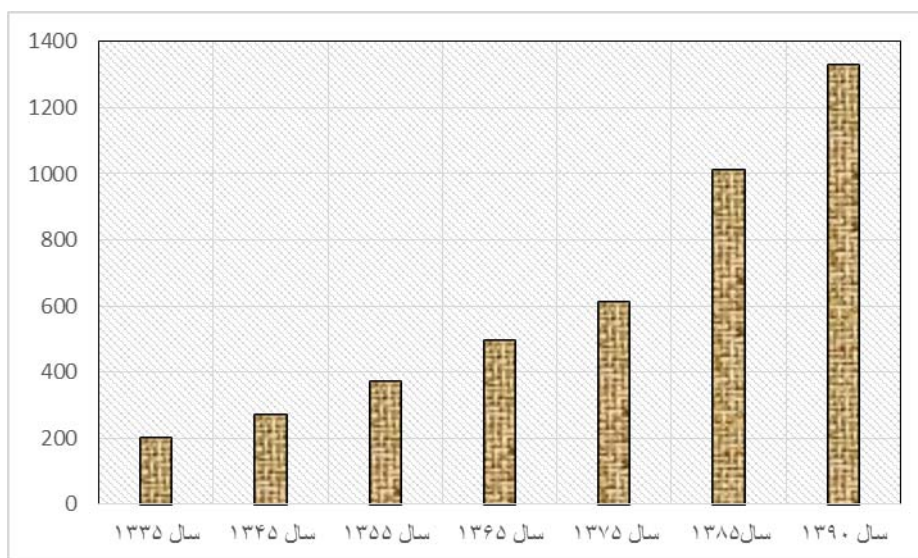
در سرشماری ۱۳۸۵، تعداد شهرها از مرز هزارشهر گذشت و به ۱۰۱۲ نقطه (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) رسید و بدلیل اجرای اصلاحیه تبصره ۵ الحاقی به ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۱ بود. که براساس آن روستاها با هرمیزان جمعیت در صورت احراز شرایط می‌توانستند به شهر تبدیل شوند (حسینی، ۵۷، ۱۳۹۰) در نتیجه، به تعداد شهرهای کشور در طول فقط ده سال، ۴۰۰ شهر اضافه شد که حدود ۴ برابر افزایش دوره‌های قبلی بوده است. جمعیت شهرنشین به ۶۸/۴ درصد از جامعه ایرانی افزایش یافت. با این حال، جمعیت شهری با ۲/۷۴ درصد رشد، به کاهش رشد تدریجی خود ادامه داد.

در آخرین دوره سرشماری (۱۳۹۰) شهرنشینی به روال عادی تری برگشت و رشد جمعیت شهری به کاهش تدریجی ادامه داد و به ۲/۱۶ درصد رسید و تعداد شهرها طبق اعلام مرکز آمار ایران به ۱۳۳۱ شهر (شکل شماره ۲) و جمعیت شهرنشین هم ۷۱/۴ درصد از کل جمعیت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) افزایش یافت.

۱۳۴۷ دانست که بیشترین استقبال از این طرح از سوی شهرنشینان بود. جمعیت شهرنشین کشور به ۴۶/۱ درصد از کل جمعیت (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵) رسید و ۱۰۱ شهر به تعداد شهرها افزوده شد و با این توصیف، ۳۷۳ شهر مورد سرشماری قرارگرفت.

در سرشماری سال ۱۳۶۵، تحولات کشور شتاب بیشتری گرفت و وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و تحولات فرهنگی و اقتصادی منتج از آن، از جمله توقف سیاست تنظیم خانواده و جنگ تحمیلی عراق، رشد جمعیت کل کشور روبه افزایش گذاشت و به بالاترین حد خود در تاریخ ایران رسید و با ۳/۹۱ درصد ایران را در ردیف معدود کشورهای با رشد بسیار بالای جمعیت قرارداد. جمعیت شهری کشور نیز به تبع آن رشد بالایی داشت و به بالاترین میزان (۵/۴ درصد) رسید. تعداد شهرها به ۴۹۶ نقطه (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۶۵) افزایش یافت و جمعیت شهرنشین برای اولین بار در تاریخ ایران از مرز ۵۰ درصد گذشت و به ۵۴/۳ درصد رسید.

در سال ۱۳۷۵، تحولات آرام تر گردید و سیاست تنظیم خانواده بار دیگر از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و جالب اینجاست هر بار که سیاست تنظیم خانواده از سوی دولت عوض شده رشد جمعیت کشور نیز دچار تحول شده است. میزان رشد جمعیت کشور بعد از این دوره به آرامی کاهش یافت و جمعیت شهری نیز به تبع آن با ۳/۲ درصد رشد ۶۱/۳ درصد



شکل ۲- روند افزایش تعداد شهرهای کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

مأخذ آمارها: مرکز آمار ایران

جدول ۱- تغییرات جمعیت کشور به تفکیک جمعیت شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

سال	نقاط	جمعیت	متوسط رشد سالانه (%)	میزان شهرنشینی و روستائیشینی (%)	تعداد شهرها
۱۳۳۵	کل	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	-	۱۹۹
	شهری	۶۰۰۲۶۲۱	-	۳۱/۴	
	روستایی	۱۲۹۵۲۰۸۳	-	۶۸/۶	
۱۳۴۵	کل	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳/۱	-	۲۷۱
	شهری	۹۷۹۵۸۱۰	۵/۲	۳۸/۷	
	روستایی	۱۵۹۹۲۹۱۲	۲/۱۳	۶۱/۳	
۱۳۵۵	کل	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲/۷۱	-	۳۷۳
	شهری	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴/۹۳	۴۶/۱	
	روستایی	۱۷۸۵۴۰۶۴	۱/۱	۵۳/۹	
۱۳۶۵	کل	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳/۹۱	-	۴۹۶
	شهری	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵/۴	۵۴/۳	
	روستایی	۲۲۶۰۰۴۴۹	۱/۸۷	۴۵/۷	
۱۳۷۵	کل	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱/۹۶	-	۶۱۲
	شهری	۳۶۸۱۷۷۸۹	۳/۲	۶۱/۳	
	روستایی	۲۳۲۳۷۶۹۹	۰/۲۷	۳۸/۷	
۱۳۸۵	کل	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱/۶۲	-	۱۰۱۲
	شهری	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲/۷۴	۶۸/۴	
	روستایی	۲۲۱۳۱۱۰۱	-۰/۴۴	۳۱/۶	
۱۳۹۰	کل	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱/۲۹	-	۱۳۳۱
	شهری	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲/۱۶	۷۱/۴	
	روستایی	۲۱۴۴۶۷۸۳	-۰/۶۳	۲۸/۶	

مأخذ آمارها: مرکز آمار ایران

ب) تحلیل فضایی روند توسعه شهرنشینی:

نسبت جمعیت شهرنشین کشور در سطح استانها نیز از رویه واحدی تبعیت نکرده و طبق آمار سال ۱۳۹۰ برخی استانها از میانگین کشوری که ۷۱/۴ درصد است بالاتر هستند. ۹ استان در این گروه قرار می‌گیرد که به ترتیب نسبت جمعیت شهرنشین عبارتند از: استان قم (۹۵/۲ درصد)، استان تهران (۹۲/۸ درصد)، استان البرز (۹۰/۵ درصد)، استان اصفهان (۸۵/۴ درصد)، استان یزد (۸۲/۸ درصد)، استان سمنان (۷۷ درصد)، استان مرکزی (۷۳/۹ درصد)، استان قزوین (۷۳/۱ درصد) و استان خراسان رضوی با ۷۱/۹ درصد.

علت بالابودن نسبت شهرنشینی در استانهای فوق را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود:

- وجود یک کلانشهر پرجمعیت که بخش اعظم جمعیت استان را تشکیل می‌دهد. ۵ استان قم، تهران،

البرز، اصفهان و خراسان رضوی در این گروه قرار می‌گیرند.

- وجود صنایع کارگربر در شهرهای این استانها که جمعیت مهاجر روستایی را به سمت خود جذب نموده است. استانهای اصفهان، مرکزی، یزد و قزوین مثالهایی از این گروه هستند.

- عدم مساعدت اوضاع طبیعی که نتیجه آن ناتوانی بنیان‌های کشاورزی و تمایل برای مهاجرت به شهرهاست. استانهای یزد و سمنان را می‌توان در این گروه قرارداد.

مشخصات شهرنشینی سایر استانهای کشور که جمعیت شهرنشین آنها از میانگین کشوری پایین تر است در جدول شماره ۲ آمده است. سه استان نیز از شهرنشینی بسیار پایینی برخوردارند که به ترتیب شامل استانهای سیستان و بلوچستان (با ۴۹ درصد)، استان هرمزگان (۵۰ درصد) و استان گلستان (۵۱ درصد) است.

جدول ۲- میزان شهرنشینی در استانهای کشور (درصد) طی سالهای ۱۳۹۰، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵

نام استان	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	نام استان	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
کل کشور	۶۱/۳۱	۶۸/۴۶	۷۱/۴	فارس	۵۶/۶۷	۶۱/۱۷	۶۷/۶
آذربایجان شرقی	۶۰/۲۸	۶۶/۶۷	۶۹/۲	قزوین	۵۷/۱۱	۶۸/۰۵	۷۳/۱
آذربایجان غربی	۵۲/۶۸	۶۰/۰۳	۶۲/۷	قم	۹۱/۱۶	۹۳/۹۱	۹۵/۲
اردبیل	۴۸/۶۷	۵۸/۲۶	۶۴	کردستان	۵۲/۴۲	۵۹/۴۲	۶۶
اصفهان	۷۴/۳۰	۸۳/۳۲	۸۵/۴	کرمان	۵۲/۸۹	۵۸/۵۳	۵۷/۵
البرز	-	۸۸/۷	۹۰/۵	سیستان و بلوچستان	۴۶/۱۲	۴۹/۶۰	۴۹
ایلام	۵۳/۲۳	۶۰/۶۹	۶۴	کرمانشاه	۶۱/۷۵	۶۶/۷۹	۶۹/۷
بوشهر	۵۳/۰۵	۶۵/۱۶	۶۸/۲	کهگیلویه و بویراحمد	۳۹/۲۳	۴۷/۶۴	۵۲/۶
تهران	۸۶/۱۶	۹۱/۳۴	۹۲/۸	گلستان	۴۱/۲۹	۴۹/۱۷	۵۱
چهارمحال و بختیاری	۴۵/۰۵	۵۱/۵۵	۵۸/۲	گیلان	۴۶/۸۳	۵۳/۸۸	۶۰/۳
خراسان جنوبی	۴۰/۹۲	۵۱/۳۳	۵۶	لرستان	۵۳/۶۵	۵۹/۴۳	۶۱/۳
خراسان رضوی	۶۱/۰۹	۶۸/۱۵	۷۱/۹	مازندران	۴۵/۹۰	۵۳/۱۸	۵۴/۷
خراسان شمالی	۴۰/۰۷	۴۸/۳۶	۵۱/۵	مرکزی	۵۷/۰۹	۶۸/۹۷	۷۳/۹
خوزستان	۶۲/۵۲	۶۷/۲۲	۷۱	هرمزگان	۴۱/۸۰	۴۷/۱۱	۵۰
زنجان	۴۷/۶۲	۵۷/۹۹	۶۲/۵	همدان	۴۸/۳۱	۵۷/۵۸	۵۹/۲
سمنان	۶۸/۲۹	۷۴/۷۰	۷۷	یزد	۷۲/۸۰	۷۹/۷۱	۸۲/۸

مأخذ آمارها: مرکز آمار ایران

مهاجرین به نقاط شهری را مهاجرین از روستا به شهر تشکیل می‌دادند.

از مجموع جمعیت ۲۱/۴ میلیون نفری روستاهای کشور نیز ۵۹/۸ درصد در آبادی محل تولد خود اقامت داشته‌اند و بدین ترتیب مهاجر نبوده‌اند و ۴۰/۲ درصد افراد ساکن در روستاهای کشور مهاجر بودند که از این تعداد، ۱/۸ میلیون نفر از شهر به روستا (مهاجرت معکوس) و ۱/۹ میلیون نفر نیز از روستا به روستا مهاجرت نموده بودند.

در مجموع می‌توان گفت که شیوه‌های مهاجرت در ایران در حال حاضر به ترتیب از الگوهای مندرج در جدول شماره ۳ تبعیت می‌کند.

جدول ۳- الگوهای مهاجرت در ایران در ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰

جایگاه	نسبت به مجموع چهارالگوی مهاجرت	تعداد (میلیون نفر)	الگوی مهاجرت
۱	۵۵/۵	۱۲	مهاجرت شهر به شهر
۲	۲۷/۳	۵/۹	مهاجرت روستا به شهر
۳	۸/۷۹	۱/۹	مهاجرت روستا به روستا
۴	۸/۳۳	۱/۸	مهاجرت شهر به روستا (مهاجرت معکوس)

مأخذ: مطالعات نگارنده

به ترتیب استانهای البرز، اصفهان و خراسان رضوی مقصد مهاجرین بین استانی بوده است. کمترین میزان مهاجرین از سایر استانها را به ترتیب استانهای کهگیلویه و بویراحمد (۱۱ هزار نفر)، چهارمحال و بختیاری (۱۴ هزار نفر) و ایلام (۱۵ هزار نفر) به خود اختصاص داده‌اند.

در رابطه با دلایل اصلی مهاجرتها در کشور، می‌توان گفت که دلایل زیر به ترتیب مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند. «پیروی از خانوار» با ۴۶/۲ درصد در جایگاه اول قرار دارد. پس از آن، «تحصیل» با ۱۳/۱ درصد، «دستیابی به مسکن مناسب تر» با ۱۰/۵ درصد جای گرفته‌اند. اگر دلیل «جستجوی کار» و

حرکات جمعیتی: آخرین تحولات مربوط به مهاجرت در ایران را می‌توان از طریق آمارهای مهاجرتی مربوط به ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰ مشاهده نمود. براین اساس، از مجموع ۵۳/۶ میلیون نفر ساکنین شهرهای کشور، تعداد ۳۳/۷ میلیون نفر (۶۲/۸ درصد) در شهر محل تولد اقامت داشته‌اند و بقیه افراد را که ۱۸/۶ میلیون نفر هستند (۳۷/۵ درصد) مهاجرین تشکیل می‌دادند که از این بین ۱۲ میلیون نفر از شهر به شهر و ۵/۹ میلیون نفر هم از آبادی به شهر مهاجرت کرده بودند. یعنی ۳۱/۷ درصد از

اگر بحث مهاجرتها را در سطح استانهای کشور دنبال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰، بیشترین مهاجرین وارد شده، استان تهران را به عنوان مقصد خود انتخاب نموده‌اند. در واقع از مجموع ۱/۸ میلیون نفری که از سایر استانها و خارج از کشور به نقاط شهری استانها وارد شده‌اند ۳۴۲ هزار نفر (۱۸/۴ درصد) به این استان وارد شده‌اند. به عبارت ساده تر، تقریباً از هر ۵ نفر مهاجر یک نفر مقصد خود را تهران انتخاب نموده است. این امر، تداوم روند دهه‌های قبلی است و نشانه مشخصی از وجود و غلبه تفکر برنامه‌ریزی تمرکزگرا در کشور و نابرابریهای منطقه‌ای ناشی از آن است. پس از تهران،

کیفیت محصولات، افزایش درآمد روستاییان و تغییر روابط جاری بین جمعیت و زمین در حوزه‌های روستایی نموده است. در این ارتباط می‌توان گفت که در طول ۵۵ سال گذشته، شاغلان بخش کشاورزی از ۵۶ درصد کل شاغلان کشور در سال ۱۳۳۵ با سیر نزولی و مداوم خود به ۱۸/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. اگر چنین روندی با افزایش بخش صنعت که بیشترین ارزش افزوده را دارد همراه بود خوب بود ولی متأسفانه با افزایش بخش خدمات روبرو بوده و بخش صنعت افزایش اندکی داشته است. شکل شماره ۳، گویای این تغییرات است.

جستجوی کار بهتر» را با هم ادغام نمایم می‌توان گفت که ۱۰/۳ درصد از مهاجرین بدلیل «جستجوی کار» مهاجرت کرده اند. فشار بر منابع و توسعه روستایی: شهرنشینی در ایران همواره با فشار بر منابع روستایی همراه بوده است. جمعیت کثیر روستاییان که با کمبود فرصتهای شغلی روبرو هستند رکن اصلی مهاجرت هستند. این وضعیت و نیاز ضروری به حل موضوعات مرتبط با کشاورزی و حوزه‌های روستایی، دولت را درگیر موضوعاتی از قبیل جریان آزاد عناصر تولید، مطلوب سازی و ترکیب این عناصر بین حوزه‌های شهری و روستایی، انتقال مازاد نیروی انسانی روستایی، ارتقا



شکل ۳- روند تغییرات در شاغلان سه بخش عمده اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

مأخذ: مطالعات نگارنده

صنعت در کشور شکل بگیرد و نباید فعالیت‌های خدماتی از رشد بالاتری از صنعت و حتی کشاورزی برخوردار باشد. متأسفانه با وجود سرزمین‌های پهناور و قابل کشاورزی در کل کشور، سهم کشاورزی از اشتغال زایی تنها به میزان ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آن هم در دو فصل اول سال که فعالیت‌های کشاورزی بیشتری انجام می‌شود، است (روزنامه اکونیوز، ۱۳۹۴/۸/۲۳). تحصیلات دانشگاهی و از بین

- در حال حاضر بیشترین تعداد اشتغال کشور در بستر فعالیت‌های خدماتی شکل گرفته و رشد اشتغال زایی خدمات به نحوی است که در برخی مناطق مانند کلانشهر تهران، سهم بخش کشاورزی از اشتغال زایی تقریباً صفر و سهم خدمات در بالاترین سطح قرار دارد. این مسئله در مورد بسیاری دیگر از مناطق کشور هم مشاهده می‌شود. کارشناسان بر این نکته تأکید دارند که اشتغال واقعی باید در بستر

رفتن زمین‌های کشاورزی در بسیاری از شهرها، سیاست‌های غلط دولت‌ها در عدم توجه مناسب به بخش کشاورزی، واردات بی‌رویه محصولات تولید خارج و هم‌چنین زندگی شهرنشینی در کنار بی‌میلی جوانان به انجام مشاغل فیزیکی، باعث افت سهم بخش کشاورزی از اشتغال‌زایی شده است.

مهندسی توسعه: شهرنشینی در ایران متأثر از مهندسی برون‌زا و درون‌زا بوده است. در درون کشور عوامل متعددی در تغییر و یا توسعه فضای شهری کشور تأثیرگذار بوده است. از جمله می‌توان به وضع قوانین شهری و تأثیر هر یک از این قوانین در تغییر فضای شهری ایران اشاره نمود. «قانون توسعه و تعریض معابر مصوب ۱۳۱۲» «قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۶۸» و «الحاقیه قانون تبدیل روستا به شهر، مصوب ۱۳۷۱» از جمله این قوانین مهم است که هر یک تغییر گسترده‌ای را در فضای شهری ایجاد نموده است. علاوه بر آن، تعیین اهداف بلندمدت توسعه از طریق برخی قوانین نظیر «قانون توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور» که عمدتاً به نام قانون ۵ ساله معروف هستند در شکل‌گیری نگرش‌های خاص به مناطق در نزد برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران عالی‌رتبه کشوری مؤثرند. به عنوان مثال در قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی (۹۴-۱۳۹۰) آمده است که به منظور هماهنگی و نظارت بر تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه سرزمینی، «شورای آمایش سرزمین» با مسئولیت معاون ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و با شرح وظایف اصلی ذیل تشکیل می‌شود:

— تدوین، تصویب و نظارت بر استقرار «نظام یکپارچه برنامه ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی» و تنظیم روابط و ارکان اصلی آن.

— بررسی و تصویب برنامه‌ها و طرح‌های توسعه سرزمینی در سطوح ملی، منطقه‌ای و استانی و نظارت بر اجرای آنها (قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی (۹۴-۱۳۹۰)).

در ماده ۲، «طرح تهیه آمایش سرزمین» سازمان برنامه و بودجه موظف شده است در جهت تدوین برنامه آتی توسعه اقتصادی و اجتماعی با نگرش آمایشی استراتژیهای توزیع فضائی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین را به همراه برنامه‌های اجرائی زیر تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند. تعیین مناطق اولویت دار در توسعه از نظر پذیرش جمعیت و فعالیت؛ تعیین نقش نواحی مختلف از نظر تقسیم کار ملی و استقرار فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، خدماتی و امکانات زیربنائی؛ تعیین چشم انداز اشتغال و توزیع آن در بخش‌های مختلف اقتصادی در سطوح ملی (طرح تهیه آمایش سرزمین، مصوب شورای عالی اداری به نقل از سایت وزارت راه و شهرسازی: <http://www.mrud.ir>). شهرگرایی و فرهنگ غالب در مردم در هر دوره از زمان و گسترش خطوط ارتباطی نیز در شهرنشینی و توسعه فضای شهری مؤثر بوده است.

عوامل برون‌زا از جمله جهانی شدن، گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر، قیمت جهانی نفت و میزان درآمدهای نفتی کشور در دوره‌های مختلف در شهرنشینی ایران تأثیرگذار بوده است. تدوین طرح‌های توسعه شهری از دهه ۱۳۴۰ و گسترش

زیرساختهای شهری به واسطه افزایش درآمدهای نفتی، شواهدی براین مدعاست. مسیرهای توسعه: سیاست تمرکزگرایی و حاکمیت این نوع تفکر در برنامه ریزیها و سیاستگذارهای کلی کشور، مسیر غالب شهرنشینی در ایران را تعیین نموده است. توسعه جهت دار برخی شهرها مانند تهران و شیراز در رژیم گذشته و تغییر جهت توسعه به شهرهای دیگر از جمله مشهد و قم در دوره فعلی نمونه ای از چنین تأثیراتی است. تغییراتی که در جایگاه و رتبه شهرها در ۴۰ سال گذشته بوجود آمده مؤید این امر است. این سیاستها منجر به ناتوانی مکانهای مرکزی در مناطقی که مورد توجه و لطف دولت نبوده، شده است.

نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای: تفاوت‌های جغرافیایی، تمایزات فرهنگی و نابرابری مناطق در دستیابی به منابع پایه، لزوماً بحث نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را از نظر برخورداری از امکانات و خدمات بوجود آورده است. باین حال، کشورهای توسعه یافته از جمله هلند و ژاپن توانسته‌اند با برنامه‌ریزی‌های مناسب بسیاری از این نابرابریها را کاهش داده و توسعه نسبتاً همگونی در مناطق مختلف بوجود آورند. بسیاری از تحقیقات موردی که در قلمروهای شهری، شهرستانی و استانی کشور در سال‌های اخیر صورت گرفته، وجود تفاوت‌های فاحش بین مناطق را به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات تأیید نموده‌اند. جدول شماره ۴، دلیلی بر تأیید این مدعاست.

جدول ۴- نمونه ای از مطالعات میدانی درباره وجود نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور

نام محقق	عنوان مقاله	سال انتشار	محل چاپ	نتایج
صباغ کرمانی	تجزیه و تحلیل نابرابریهای منطقه ای اشتغال در استانهای کشور	۱۳۸۰	مدرس علوم انسانی	نابرابری بین استانهای صنعتی و غیر صنعتی در طی دوره مورد بررسی (۷۶-۱۳۵۳) در حال کاهش بوده است.
رضایی و امین عطار	سطح بندی میزان برخورداری شهرستانهای استان فارس به لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل HDI	۱۳۹۰	برنامه‌ریزی منطقه‌ای	در استان فارس به لحاظ مجموع شاخصهای مورد مطالعه، شهرستان توسعه یافته وجود ندارد و شهرستانهای شمالی و شرقی توسعه یافته تر از شهرستانهای جنوبی و غربی هستند.
نظم‌فر و بخشی	سنجش میزان برخورداری شهرستانهای استان خوزستان از شاخصهای توسعه با استفاده از تکنیک ادغام	۱۳۹۳	آمایش جغرافیایی فضا	اختلاف چشمگیری میان سطوح توسعه یافتگی شهرستانهای استان خوزستان بدلیل توزیع ناهمگون شاخصهای مختلف وجود دارد.
آنامردنژاد	جایگاه توسعه یافتگی استانهای کشور در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی،	۱۳۸۷	فصلنامه روستا و توسعه،	شکاف و نابرابری بین استانها در زمینه فعالیتهای کشاورزی عمیق بوده و نسبت آن تا پنج برابر است.

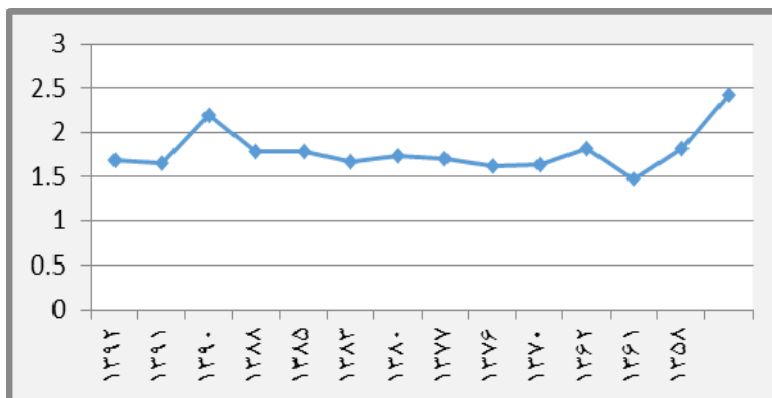
مأخذ: منابع داخل جدول

در بیشتر کشورهای در حال توسعه عمیق است و در کشوری مانند چین، تفاوت درآمدي در سال ۲۰۱۲،

یکی از ویژگی‌های بارز نابرابری‌های درون منطقه‌ای، شکاف درآمدي بین شهر و روستا است. این شکاف

نوسان بوده است (شکل ۴).

۳/۱ برابر بوده است (Wang, 2014, 59). در کشورما طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ بین ۱/۵ تا ۲/۴ برابر در



شکل ۴- نسبت تفاوت درآمد خانوارهای شهری به خانوارهای روستایی طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲

مأخذ آمارها: سالنامه‌های آماری ۱۳۹۲ و قبل از آن

و بزرگی از بهشهر تا گالیکش (در ابتدای جنگل گلستان) شکل گرفته است (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱).

۳-۲. پیش‌بینی سرعت و مقیاس شهرنشینی در کشور تا سال ۱۴۰۴

به طور قطع، شیوه شهرنشینی و روال آینده آن در سطح کشور را، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سال‌های آینده تعیین خواهد نمود. در این مسیر، عوامل مهم و تأثیرگذار عبارت خواهد بود از: سیستم توزیع بودجه، نحوه استقرار صنایع و فعالیت‌های کلیدی در سطح استانها، چگونگی پاسخگویی به تقاضاهای کشاورزان و روستاییان، میزان ماندگاری فرهنگ سنتی کشاورزی، میزان توجه و سرمایه‌گذاری در زیرساختهای ارتباطی شهرهای متوسط و کوچک، امنیت غذایی و مسائلی از این قبیل.

اگر روند فعلی رشد کشور را در ابعاد مختلف نظیر رشد جمعیت شهری و میزان مهاجرت، ملاک عمل و پیش‌بینی خود قرار دهیم و اوضاع به همین روال

خوشه‌های شهری: در سطح کشور مهم‌ترین خوشه‌های شهری که تاکنون شکل گرفته اند به شرح ذیل است:

(الف) حوزه‌های کلانشهری، شامل خوشه تهران و کرج، مشهد در شمال شرق کشور، اصفهان، تبریز، اهواز، شیراز.

(ب) شهرهای مرکز استانی با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر: شامل رشت (به همراه بندرانزلی و...)، ساری (به همراه قائمشهر و نکا) ارومیه، سنندج، اردبیل، کرمانشاه، کرمان، زاهدان. لازم به توضیح است که همه مراکز استانها به صورت خوشه شهری قابل طرح نیستند مثلاً گرگان فاقد شهر مهمی در جوار خود است.

(ج) محورهای شهری: این محورها به صورت خطی و غالباً در نوار ساحلی مانند شهرهای ساحلی استانهای گیلان و مازندران (به استثنای خوشه‌های محلی مانند رشت) و سواحل جنوبی کشور و یا در امتداد جاده‌های مهم ترانزیتی شکل گرفته‌اند مانند مسیر جاده تهران به مشهد که در طول آن شهرهای کوچک

مهاجرت که در الگوی فضایی شهرنشینی کشور تأثیرگذار بودند به نتایج زیر دست یافته است:

- شهرنشینی در ایران از دهه ۱۳۴۰ شتاب بیشتری گرفت و این امر باعث شد تا میزان شهرنشینی کشور از مرز ۷۱ درصد کل جمعیت بگذرد.

- مهاجرت در کشور از الگوی روستا به شهر که از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ غالب بوده به الگوی مهاجرت شهر به شهر تغییر یافته است و مهاجرت معکوس در حال رشد است. نقاط شهری استان تهران، بیشترین مهاجرین را در جابجایی‌های بین استانی به خود اختصاص داده است.

- برخی استانهای کشور از جمله قم، تهران و البرز از جمعیت شهرنشین بالای ۹۰ درصدی برخوردارند و این درحالی است که استانی مانند سیستان و بلوچستان هنوز به مرز ۵۰ درصد نرسیده است.

- برنامه‌ریزی تمرکزگرا که تا سال‌های اخیر تفکر غالب در برنامه‌ریزی در سطوح کلان بوده، تبعات مختلفی در فضای جمعیتی و فعالیتهای اقتصادی کشور بجای گذاشته که می‌توان به پیدایش پدیده نخست شهری، عدم توازن در توزیع جمعیت، نادیده گرفته شدن مناطق حاشیه‌ای و شهرهای کوچک و روستاها، گسترش نابرابری‌های منطقه‌ای اشاره نمود.

- تحقیقات نشان داده است که پدیده نخست شهری از اواخر دهه ۱۳۶۰ بدلیل رشد کلانشهرها و مراکز استانها، کم رنگ‌تر شده است.

- شاغلان در بخش کشاورزی به نفع شاغلان بخش خدمات در طول ۵۵ سال گذشته روبه کاهش گذاشته است.

- پیش‌بینی‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جمعیت کشور تا افق ۱۴۰۴ به مرز ۹۰ میلیون نفر

ادامه یابد در ده سال آینده یعنی تا افق ۱۴۰۴ اوضاع بدین گونه خواهد بود:

- جمعیت کشور با احتساب نرخ رشد فعلی (۱/۲۹ درصد)، به ۸۹۹۲۰۵۷۳ نفر خواهد رسید.

- جمعیت شهرنشین کشور تا سال ۱۴۰۴، با نرخ رشد منتهی به سال ۱۳۹۰ (۲/۱۶ درصد) به ۷۲۳۵۶۰۸۷ نفر افزایش خواهد یافت.

- میزان شهرنشینی نیز به ۸۰/۴ درصد افزایش می‌یابد. میزانی که غالباً در کشورهای صنعتی مشاهده می‌شود.

- مهاجرت روستاییان به شهرها که از دهه ۸۰ به بعد روندی کاهشی داشته، نوید افزایش تدریجی نرخ رشد جمعیت روستایی را می‌دهد.

- مهاجرت معکوس (مهاجرت شهرنشینان به روستاها) که در برخی استانها مانند مازندران روند موفق داشته (آمارادناژاد، ۱۳۹۰)، با سرعت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد. این امر، علاوه بر رونق کار و زندگی در روستاها، باعث توزیع متعادل‌تر جمعیت در حوزه‌های کشاورزی خواهد شد.

- در صورت تداوم برنامه‌های فعلی و حمایت دولت از برنامه‌های عمرانی و تولیدی مانند آنچه که در عسلویه رخ داده، می‌توان امیدوار بود که برخی محورهای مهم شهری به ویژه در مناطق حاشیه‌ای کشور نظیر سواحل جنوبی (آبادان، بوشهر، بندرعباس و چابهار) تقویت شود.

۴. نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی تحولات زمانی و فضایی شهرنشینی در ایران طی ۵۵ سال گذشته صورت گرفته و با نگاهی به برخی تحولات جانبی از جمله

شهرها، تعیین حوزه عملکرد فراملی و بین‌المللی هریک و انتقال همزمان وظایف ملی و منطقه‌ای آنها به سایر شهرها (معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۳).

- کاهش تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیت در مناطق پرتراکم کشور، به ویژه تهران و اصفهان و مهار روند رو به رشد جمعیت و فعالیت‌ها در این مناطق از طریق دگرگونی ساختار فعالیت‌های صنعتی و خدماتی آنها در راستای افزایش سهم فعالیت‌های دانش پایه و زمینه سازی برای هدایت سرمایه‌گذارهای متمایل به این مناطق، به دیگر استانهای کشور.

- تغییر نقش و عملکرد شهر تهران به عنوان مرکزی با عملکرد بین‌المللی و شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز، اهواز و کرمانشاه به عنوان مراکزی با عملکرد فراملی، برای پوشش خدماتی در حوزه‌های جغرافیایی و یا عملکردی خاص.

- ایجاد شبکه‌های سازمان یافته از شهرهای بزرگ و متوسط کشور و تجهیز آنها به نحوی که بتوانند در سطوح منطقه تحت نفوذ خویش، بخشی از وظایف شهرهای موضوع بند (۲) را به عهده گرفته و در راستای عدم تمرکز در یک تقسیم کار ملی و منطقه‌ای، مشارکت نمایند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳).

- در سطح محلی، لازم است به ارتقاء متروپل‌های منطقه‌ای (مراکز استانهای محروم و مراکز شهرستانها) با تأکید بر توسعه یکپارچه شهرهای مرکزی و حوزه‌های عملکردی - پیرامونی آنها توجه بیشتری شود. این امر به تقویت حوزه‌های پیرامونی، ایجاد تعادل در شبکه شهری و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی کمک خواهد کرد.

می‌رسد که از این تعداد ۸۰/۴ درصد در شهرها زندگی خواهند کرد.

۵. پیشنهادها

- در حال حاضر، مصرف سرانه شهری بسیار بیشتر از حوزه‌های روستایی است و این امر به کاهش منابع مصرف و صدمه زدن به کیفیت اکولوژیکی محیط می‌گردد. بدین جهت لازم است تعداد ثابت و مطمئن از جمعیت روستایی با شیوه زندگی روستایی نگهداری شوند.

- در سطح ملی، شیوه سنتی سرمایه گذاری در مناطق توسعه که تاکنون به صورت پراکنده و تا حدودی متأثر از دیدگاه قطب رشد بوده می‌بایست با خط مشی فضایی - منطقه ای و براساس نیاز مناطق و به شیوه ای علمی جایگزین گردد. بدین ترتیب، مناطق و استانهای کشور به سمت تعادل منطقه ای و توازن اکولوژیکی حرکت خواهند کرد و از پیدایش قطب رشدهای جدید جلوگیری خواهد شد.

- هشت کلانشهر کشور به منظور حفظ توان رقابت پذیری آنها با شهرهای منطقه غرب آسیا و عقب نماندن از چرخه ارتباطات جهانی، می‌بایست به صورت اصولی و نظام مند توسعه یابند. رعایت مسائل شهرسازی و تکمیل زیرساخت‌های ارتباطی و توانمندسازی آنها در پاسخگویی به نیازهای فزاینده حوزه‌های عملکردی - پیرامونی از جمله این موارد است. آن گونه که در ماده ۷۵، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «استفاده مناسب از قابلیت و توان کلان شهرها، در جهت تقویت نقش فراملی و ارتقاء جایگاه بین‌المللی کشور، از طریق تقویت مدیریت توسعه، برنامه ریزی و اجرا در این

توانمندسازی درآمدی ساکنان، حفظ هویت محلی، سازگاری فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی صورت پذیرد. این امر از طریق توجه به سه عنصر مهم سیستم‌های منطقه‌ای یعنی شهرهای کوچک، روستاها و کشاورزی امکان‌پذیر است. سرمایه‌گذاری مطلوب در بخش‌های زیربنایی این قبیل شهرها، حل مسائل ریشه‌ای کشاورزی و تقویت روستاها نه به عنوان مراکز جمعیتی کم‌اهمیت، بلکه به عنوان فعالان عرصه‌های تولیدی کشور، نمونه‌ای از اقدامات ضروری است.

منابع

- آنامرادنژاد، رحیم‌پردی، (۱۳۸۷): جایگاه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص: ۱۹۴-۱۷۳.
- آنامرادنژاد، رحیم‌پردی، مصطفی قدمی، عیسی جوکارسرهنگی، (۱۳۹۰): مهاجرت معکوس، پدیده‌های مثبت در فضای جمعیتی ایران، مجموعه مقالات یازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- توفیق، فیروز، (۱۳۷۶) شبکه شهرها و خدمات، جلد اول، مبانی نظری و ادبیات موجود، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- حسینی، سیدعلی، (۱۳۹۰) مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه‌ای در ایران، چاپ سوم، رشت: انتشارات دریای دانش.

- «قانون تبدیل روستا به شهر» با در نظر گرفتن شرایط جمعیتی صورت گیرد و آستانه جمعیتی حداقل ۱۰ هزار نفر ملاک قرار گیرد تا از پیدایش قارچ‌گونه و بی‌هویت شهرهای جدیدالتأسیس که باری روش دوش دولت می‌گذارند جلوگیری شود. این شهرهای تازه تأسیس با جمعیت‌های بسیار کم مثلاً ۱۸۰ نفر، با هیچ‌کدام از معیارهای جمعیتی، شهرسازی و شهرنشینی همخوانی ندارند و می‌بایست ملاک جمعیتی دست کم ده هزار نفر پابرجا بماند.

- قانون «طرح جامع شهرستان» که به عنوان یک طرح مناسب و توانمند به منظور مطالعه همزمان شهر و روستا سالها قبل به تصویب رسیده ولی به اجرا در نیامده بود دوباره در دستور کار قرار گیرد تا از مطالعات تجربیدی و جزیره‌ای شهر و روستا جلوگیری گردد. در ماده ۱۷۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۹۴-۱۳۹۰) وزارت مسکن و شهرسازی موظف شده است به منظور تحقق توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی، تعاملات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی فی مابین شهرهای با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر یا روستاهای واقع در حریم آنها را از طریق تهیه و اجرای طرح‌های مجموعه شهری، جامع و تفصیلی شهری با رویکرد اولویت توسعه درونی شهرها، بهره‌گیری از ظرفیتهای توسعه روستاهای مستعد، صیانت از اراضی کشاورزی و باغهای واقع در داخل و حاشیه شهرها و روستاها ساماندهی نماید (قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹۴).

- شهرهای کوچک و متوسط با تأکید بر مراکز شهرستانها باید از هر نظر تقویت شوند. این کار با هدف حفظ و تقویت روابط شهری-روستایی،

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۹۴-۱۳۹۰).

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۲): سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۲
مرکز آمار ایران: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵، ۱۳۹۰

معاونت برنامه ریزی استانداری زنجان، (۱۳۹۰):
مطالعات برنامه آمایش استان زنجان، جلد پنجم، دفتر برنامه و بودجه زنجان

معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، (۱۳۸۳): مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.

موسوی، میرنجف، (۱۳۸۲) سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه یزد.

نظم‌فر، حسین و آمنه علی‌بخشی، (۱۳۹۳): سنجش میزان برخورداری شهرستانهای استان خوزستان از شاخصهای توسعه با استفاده از تکنیک ادغام، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم/ شماره مسلسل چهاردهم، صص: ۱۷۸-۱۵۱.

Henderson, V. (2002): Urbanization in Developing Countries. The World Bank Research Observer, 17, 89-112.

Pacione, M. (2011): Introduction: urban growth patterns – trends and policy issues. H.Geyer, In International Handbook of Urban Policy: Issues in the Developing World).Vol. 3, pp. 3-36) Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.

رضایی، محمدرضا و امین عطار، محمد (۱۳۹۰):
سطح بندی میزان برخورداری شهرستانهای استان فارس به لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل HDI، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۴، صص: ۶۸-۵۳.
روزنامه اکونیوز،

<http://www.econews.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=277718>، به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۳

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳): ضوابط ملی آمایش سرزمین، مصوب هیأت وزیران، مورخه ۱۳۸۳/۹/۴

سیف‌الدینی، فرانک، حسین منصوریان، احمد پوراحمد، روش‌شنک درویش‌زاده، (۱۳۹۳): فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص: ۸۴-۶۱.

شکویی، حسین و اشرف السادات باقری، (۱۳۷۴) کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف آباد و خمینی شهر، مجله مدرس، شماره، ۸ دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

شورای عالی اداری: طرح تهیه آمایش سرزمین، به نقل از سایت سایت وزارت راه و شهرسازی: (<http://www.mrud.ir>).

صبغ کرمانی، مجید، (۱۳۸۰): تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای اشتغال در استانهای کشور، نشریه مدرس علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۹، صص: ۲۰-۱.

- United. Nations,. (2010):World urbanization prospects: the 2009 revision .
- Yang, D., (2013): Spatial Logic and risks in China,s rapid urbanization under global complexity,China city Planning Review,Vol.22,No.1.pp:15-24.
- Yin, Z., (2013): Healthy urbanization: From Quantitative growth to Qualitative promotion - Adjustment on Emphasis of Urbanization strategy, China City Planning Review,Vol.22,No.3.pp:6-20.
- Wang, K., (2014): Urbanization quality and human settlement construction, China city Planning Review,Vol.23,No.1.pp:51-59.